



خلع سلاح هسته‌ای در گرو اضمحلال امپراطوری آمریکا است

یک نویسنده و روزنامه‌نگار آمریکایی نوشت: از آنجا که آمریکا امپراطوری سیاسی و اقتصادی خود را به واسطه قدرت اتمی خود تضمین کرده است، تا این امپراطوری مضمحل نشود امکان سخن گفتن از خلع سلاح هسته‌ای مهیا نخواهد شد...

یک نویسنده و روزنامه‌نگار آمریکایی نوشت: از آنجا که آمریکا امپراطوری سیاسی و اقتصادی خود را به واسطه قدرت اتمی خود تضمین کرده است، تا این امپراطوری مضمحل نشود امکان سخن گفتن از خلع سلاح هسته‌ای مهیا نخواهد شد. به گزارش فارس، پایگاه خبری "Commondreams" در مقاله‌ای به قلم "رابرت جنسون" (Robert Jensen) نویسنده، روزنامه‌نگار و پژوهشگر دانشگاه تگزاس نوشت: اگر در مورد نابودی تسلیحات هسته‌ای واقعا جدی هستیم، ابتدا باید امپراطوری ایالات متحده را در مرکز سیاستمان ساقط کنیم!

این نویسنده آمریکایی می‌نویسد: اقدامات به کار رفته به منظور دستیابی به جهانی عاری از تسلیحات هسته‌ای ایجاب می‌کند که ما باید نه تنها در حزب‌های مرتجع آمریکا تجدیدنظر کنیم بلکه باید در ساختار قدرت ایالات متحده که توسط بوش‌ها، چنی‌ها و رامسفلدها ساخته شده است، تجدیدنظر کنیم. ما در اینجا این گروه را "شاهین‌های بی‌پروا" نامیده‌ایم. همچنین تعهد و الزام ما برای آینده‌ای عاری از سلاح‌های هسته‌ای ایجاب می‌کند که در حزب میانه‌رو که توسط اوباماها، بایدن‌ها و کلینتون‌ها هدایت می‌شود نیز تجدیدنظر کنیم. ما آنها را "شاهین‌های منطقی" می‌نامیم. گروه اول بیماران روانی هستند، در حالی که گروه دوم صرفا بدگمان و شکاک هستند. بعد از 8 سال حاکمیت گروه اول اکنون درک شرایط ساختگی نامانی در آن دوره توسط میانه‌روهای منطقی باید آسان باشد اما ما باید به یاد داشته باشیم که یک شاهین همیشه شاهین است. این روزنامه‌نگار و پژوهشگر دانشگاه تگزاس در ادامه اضافه می‌کند: گام بعدی این است که بدانیم منافع چه کسانی از طریق این شاهین‌ها پیش می‌رود. حتی با وجود اینکه در دوره بعد از جنگ جهانی دوم شاهین‌ها گاه‌گاهی در استراتژی و تاکتیک با یکدیگر متفاوت بودند اما هر دو از یک سیستم اقتصادی یعنی سیستم سرمایه‌داری دفاع می‌کردند. بگذارید آنها را گروه لاشخورها بنامیم. گروه‌بندی شاهین‌ها ممکن است با گروه‌بندی لاشخورها متفاوت باشد اما مسائل این دو به شکل اختلاف سیاسی جدی در میان نخبگان ظاهر می‌شود. اما آنچه که آنها عموماً دارند بیشتر از تفاوت‌هایشان اهمیت دارد.

* خلع سلاح اتمی به نابودی امپراطوری آمریکا بستگی دارد

جنسون با اشاره بر سیطره نظامی آمریکا بر جهان تصریح می‌کند: امپراطوری معاصر ایالات متحده از سیستم سرمایه‌داری و شرکت‌های گول پیکر حمایت می‌کند. این سیستم نه تنها بر اقتصاد داخلی بلکه بر اقتصاد جهانی سیطره دارد و این سیطره نیز به قدرت نظامی آمریکا و سلاح‌های هسته‌ای آن وابسته است. هر کسی که سکاندار امپراطوری آمریکا است باید امپراطوری سیاسی، نظامی و اقتصادی آمریکا پابرجا بماند اما این امپراطوری هنوز بزرگترین تهدید برای عدالت و صلح در روی کره زمین است. هر پروژه جدی برای اداره جهان به ویژه در زمینه تهدید سلاح‌های هسته‌ای با تهدید امپراطوری تداخل دارد. ما نیز نباید از رهبرانمان، جمهوریخواه یا دموکرات، انتظار داشته باشیم که به خلع سلاح هسته‌ای تن بدهند و آنها نیز مطمئناً این کار را نمی‌کنند.

وی به بخشی از برنامه بازنگری سلاح‌های هسته‌ای دولت اوباما در سال 2010 اشاره کرده و می‌نویسد: اکنون در شرایطی هستیم که ممکن نیست ایالات متحده و دیگر کشورها تسلیحات هسته‌ای‌شان را بدون به خطر انداختن بی‌ثباتی و نامانی بین‌المللی رها کنند. در میان این شرایط موفقیت‌هایی در تکثیر غیر مداوم تسلیحات هسته‌ای حاصل شده است اما ما نیازمند شفافیت بیشتر برنامه‌ها و ظرفیت‌های کلیدی کشورهایی هستیم که در این زمینه نگرانی‌هایی را به وجود آورده‌اند. روش‌های نظارت و ظرفیت و تکنولوژی بازرسی در زمینه نقض تعهدات مربوط به خلع سلاح، برای اجرای معیارهای قوی و معتبر بازرسی این قبیل نقض‌ها کافی نیست. نهایتاً مجادلات منطقه‌ای می‌تواند انگیزه‌ای برای دولت‌های رقیب باشد تا سلاح‌های هسته‌ای‌شان را حفظ کنند و یا به دنبال تحصیل آن باشند. واضح است که این شرایط نباید امروز وجود داشته باشد. این تحلیلگر می‌افزاید: در هیچ جای این طرح اشاره‌ای به این مسئله نشده است که خلع سلاح اتمی به مرگ امپراطوری آمریکا بستگی دارد.

دلیل اینکه چرا چنین بحثی در این برنامه وجود ندارد این است که سلاح‌های هسته‌ای، کلید اصلی امپراطور سازی آمریکا هستند. این درست‌ترین واقعیت امروز است که هری ترومن به همین دلیل اولین بمب اتمی را شلیک کرد و جنگ سرد آغاز شد. اگر چه ما می‌خواهیم بر روی حال تمرکز کنیم اما برگشت به آن زمانی که برای خودمان نیز آزار دهنده است، مفید است.

* استفاده از بمب اتمی آغازگر امپراطوری سلطه‌گرانه ایالات متحده است

نویسنده و استاد دانشگاه تگزاس در ادامه مقاله‌اش که پایگاه خبری Commondreams آن را منتشر کرده است، می‌نویسد: مورخان بر این مسئله اجماع نظر دارند که تصمیم آمریکا برای ریختن بمب اتمی بر روی ژاپن فقط برای پایان جنگ جهانی دوم نبود بلکه

بیشتر فرستادن پیامی برای اتحاد جماهیر شوروی بود. این اقدام وحشیگرانه اگر چه پایانی بود بر بربریسیم حاکم بر جنگ جهانی دوم اما خود فصل جدیدی در ایجاد وحشیگری‌های ایالات متحده در طول 6 دهه گذشته بود.

با این وجود واضح بود که بعد از جنگ جهانی دوم، ایالات متحده می‌توانست با سرمایه قابل توجه و منابع گسترده‌اش در امنیت زندگی کند اما حرص و طمع امپراطوری، سیاستمداران آمریکایی را مجبور کرد که نه سیاست صلح بلکه سیاست سلطه را پیگیری کنند. سیاستی که در نقشه آمریکا در سال 1947 بدین نحو دیده شد: "قدرت سلطه باید هدف سیاست آمریکا باشد. قدرت سلطه به این معنی است که ما جهان را اداره کنیم. ما باید واژه‌های اقتصاد جهانی را دیکته کنیم. هیچ چالشی از سیستم‌های دیگر و دولت‌های دیگر قابل پذیرش نیست."

وی اضافه می‌کند: در تلاش برای سیطره بر جهان، نخبگان آمریکا اسطوره جنگ سرد و دفاع در برابر امپراطوری شوروی را مطرح کردند. در نتیجه اغلب افکار عمومی ایالات متحده به آسانی به حق آمریکا برای پروژه امپراطوری و تعقیب سیاست حفظ و نگهداری تسلیحات هسته‌ای فقط به عنوان یک سلاح بازدارنده، متقاعد شدند.

ژوزف گرسون در کتابش به نام "امپراطوری و بمب" 39 مورد رشوه هسته‌ای را لیست کرده است که 33 مورد آن را مقامات ایالات متحده مرتکب شده‌اند. موضوع اصلی کتاب این است که چگونه آمریکا تسلیحات هسته‌ای‌اش را برای سلطه بر جهان به کار می‌گیرد. وی با اشاره به سخنان خیالپردازانه اواما می‌افزاید: اواما در سخنرانی معروفش در آوریل 2010 در پاراگوئه گفت که تا امروز، من به وضوح گفته‌ام که آمریکا به تلاش برای صلح و امنیت در یک جهان عاری از تسلیحات هسته‌ای تعهد دارد. من بی تجربه نیستم، این هدف سریعاً به دست نمی‌آید و شاید در زمان ما اتفاق نیفتد. این کار تلاش زیادی می‌طلبد. اکنون ما باید صداهایی را که می‌گویند جهان تغییر نمی‌کند، نادیده بگیریم. ما باید پافشاری کنیم. بله ما می‌توانیم.

جنسون با طعنه به سخنان اواما می‌نویسد: بله جهان می‌تواند تغییر کند اگر سلطه نظامی آمریکا بر جهان بگذارد، می‌توانیم تغییر کنیم. اگر آمریکا تلاش‌هایش برای استفاده نامتناسب از منابع جهان و تکیه بر قدرت نظامی برای تامین این منابع را رها کند، همه چیز تغییر می‌کند.

وی با اشاره به اینکه چرا اغلب نخبه‌های آمریکا طرفدار منع تکثیر هستند نه خلع سلاح می‌نویسد: هدف خلع سلاح خارج کردن تسلیحات هسته‌ای از دست همه است در حالی که هدف منع تکثیر کنترل سلاح‌های هسته‌ای است. در این شرایط آمریکا سیطره خود را بر جهان ادامه می‌دهد.

"ضیا ماین" تحلیلگر مسائل امنیت جهانی دانشگاه پرینستون در مه 2010 در کنفرانس بازننگری NPT، دلیل اینکه چرا برنامه بازننگری هسته‌ای دولت اواما متفاوت از برنامه دولت بوش نیست همین مسئله دانست. بنابراین روشن است که چرا اواما هزینه سلاح‌های هسته‌ای را افزایش داده است و اکنون بالغ بر 50 میلیارد دلار در سال صرف مدرنیزه کردن آن می‌شود.

این روزنامه‌نگار و نویسنده در انتهای مقاله‌اش می‌نویسد: اکنون وظیفه ماست که خود را از زیر بار چنین سیاست‌هایی خارج کنیم. من گفته‌ام که هیچ پیشرفتی برای حذف سلاح‌های هسته‌ای حاصل نمی‌شود مگر اینکه ابتدا امپراطوری ایالات متحده حذف شود و اضمحلال امپراطوری آمریکا هم به دست نمی‌آید مگر با تجدید نظر در سیستم اقتصادی ما.

هر تعهد جدی برای پایان دادن به سلاح‌های هسته‌ای، پایان دادن به امپراطوری، پایان دادن به سیستم غارتگر کاپیتالیستی بستگی به این دارد که ما برای تغییر راه زندگی‌مان تعهد و التزام داشته باشیم. ما باید همین امروز از خواب بیدار شویم و سخت تلاش کنیم تا جهان را دوباره بسازیم.